

بررسی شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل و رابطه آن با اختلافات زناشویی زوجین در شهرستان شوشتر

یوسف امینی^{*۱}

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

چکیده

در این تحقیق موضوع بررسی شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل و رابطه آن با اختلافات زناشویی زوجین در شهرستان شوشتر مورد مطالعه قرار گرفت و متغیرهای مستقل تحقیق از چارچوب نظری پژوهش (نظریه منابع، مبادله، تئوری تضاد) استنتاج و در قالب دو فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی طرح شد. برای بررسی، دو گروه نمونه هر کدام به حجم ۷۰ نفر از بین جامعه آماری تحقیق انتخاب شدند. درانتخاب گروه نمونه اول از بین زنان شاغل متأهل، با توجه به کوچک بودن جامعه و معیارهای در نظر گرفته شده، از روش تمام شماری استفاده شد؛ ولی درانتخاب گروه نمونه دوم از بین زنان غیر شاغل متأهل، با توجه به وسیع بودن جامعه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. و اطلاعات با استفاده از دو پرسشنامه محقق ساخته در مورد متغیرهای تحقیق جمع‌آوری، و به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت و متناسب با سطح سنجش متغیرها از آمارهای توصیفی (مد و میانگین و...) و آمارهای استنباطی (آزمون t، تحلیل رگرسیون و...) استفاده شد. نتایج در مورد فرضیات تحقیق نشان داد که: ۱- شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر

شاغل متأهل متفاوت است. ۲- شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده بر اختلافات زناشویی زوجین تأثیر دارد. ۳- متغیرهای مستقل تحصیلات زن، درآمد زن و مالکیت شخصی زوجین از لحاظ آماری بر شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر دارد. ۴- متغیرهای مستقل در آمد شوهر، تحصیلات شوهر، فاصله سنی زوجین، مدت زمان ازدواج زوجین بر شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده از لحاظ آماری معنادار نیست.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های تصمیم‌گیری، اختلافات زناشویی، خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل.

مقدمه و بیان مسأله

زندگی انسان در طول تاریخ وابسته به کار و تلاش اقتصادی او بوده است. انسان برای گذران زندگی ناچار بوده است، که با استفاده از قدرت جسمانی و توانایی هوشی و ذهنی خود جهت فراهم نمودن لوازم بقاء خود تلاش نماید؛ در این میان فعالیت هر دو جنس در بیشتر ادوار تاریخ شرط لازم زندگی اجتماعی بوده است، چنان که با ظهور انقلاب صنعتی و گسترش روزافزون نظام تولید و تقسیم کار استفاده از نیروی کار زنان امری مسلم فرض شده است، بطور خلاصه پس از دو جنگ جهانی، نیاز به استفاده از نیروی کار زنان مضاعف گردیده است، حاصل این تغییرات رواج و گسترش ایده‌ی برابری زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی خصوصاً «اشتغال» بوده است. مسأله‌ای که منحصر به جامعه و ملتی خاص نگردیده و کلیه جوامع را متأثر ساخته است. اشتغال زنان پیامدهای زیادی بر توسعه یک جامعه و همچنین ساخت و کارکرد خانواده به همراه داشته است، به نحوی که روابط خانوادگی، تربیت و تعداد فرزندان و احساسی که هریک از زوجین از زندگی خانوادگی دارند را تحت تأثیر قرار داده است، زیرا «اشتغال زنان از جمله مواردی است که به طرز آشکاری تعادل سنتی نقش‌های خانوادگی را بر هم زده و خود بر جنبه‌های دیگر زندگی خانواده اثر گذاشته است. گسترش تحصیلات عالی در بین زنان و افزایش نسبت شهرنشینی، تغییرات گسترده‌ای را در نظام روابط سنتی ایران به دنبال داشته است. زنانی که توانسته‌اند در بیرون از محیط خانه، به اشتغال پردازند، به طور نسبی به استقلال مالی دست یافته‌اند. حضور زنان در عرصه‌های

اجتماعی و تامین مالی بخشی از هزینه‌های خانواده از درآمد زنان، قدرت چانه زنی آنها را در خانواده بالاتر برده است. تجربه‌های مشارکتی زنان در امر خانوادگی بدون اعمال قدرت یک جانبه از سوی مردان، عرصه را برای افزایش قابلیت‌های آنها به منظور مشارکت هر چه بیشتر در اجتماع فراهم آورده است. از سوی دیگر، این امر به پذیرش جایگاه‌های متفاوت اعضای خانواده نسبت به گذشته، در ذهن مردان منجر شده است، به طوری که مردان واگذاری حدی از قدرت مطلقه خود را در تصمیم‌گیری‌های خانواده به زنان کاملاً پذیرفته‌اند و خود نیز در امور داخلی خانه که به طور سنتی، مخصوص زنان بود مشارکت فعال دارند (مهدوی و خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۲۹).

در نظریه منابع، بحث بر سر این است که ارزش منابع و قابل مبادله‌ی، که زن و شوهر با خود وارد روابط می‌کنند، متفاوت است (خولای^۱، ۲۰۰۲). هرچه منابع در دست رس همسران شبيه تر باشد، فاصله توزیع قدرت و نابرابری کمتر می‌شود و مشارکت زوجین در تصمیم‌گیری‌های خانواده بیشتر می‌شود (زو و بیان^۲، ۲۰۰۵). در کنار منابع در دست رس، ایدئولوژی جنسیتی، باورهای قالبی معطوف به جنسیت، و نگرش‌های نقش جنسیتی، که در برخی فرهنگ‌ها بر نابرابری طبیعی و اجتماعی زن و مرد صحنه می‌گذارد، نیز می‌تواند قدرت فرد را در فرآیند تصمیم‌گیری خانوادگی کاهش دهد (کافمن^۳، ۲۰۰۸).

بوردیو به این عوامل، در قالب عادت واره‌های، زمینه ساز نابرابری در سهم‌گیری عاملان اجتماعی از سرمایه‌های مختلف اشاره کرده است.

بررسی‌های انجام شده در این زمینه نیز نشان می‌دهد زنانی که بواسطه کار بیرون از خانه، دارای درآمد هستند در مقایسه با زنان دیگر، مستقل از شوهران خود هستند و در تصمیم‌گیری‌های خانواده مشارکت بیشتری دارند و به نظر می‌رسد که تساوی بیشتر در حیطه شغلی میان زنان و شوهرانشان منجر به تساوی بیشتر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌شود. (زاهدانی و محبوب، ۱۳۷۱؛ مهدوی، ۱۳۷۵؛ علی امامی نصیر محله، ۱۳۸۳؛ کاظم و بلیانی، ۱۳۸۵، شریفیان، ۱۳۸۸، زو و بیان) به عبارتی با اشتغال زنان ساخت خانواده دمکراتیک تر

1. Xu & Lai
2. Zuo & Bian
3. Kaufman

می‌شود (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۱۴۱). برابری زن و مرد و همچنین قدرت دادن به زنان در امور اجتماعی و اقتصادی، توسعه را در جامعه تسریع و تقویت می‌نمایند چنین جریانی توسط کشورها و جوامع صنعتی به اندازه کافی تجربه شده است» (شیخی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

تاثیری که کار زن و درآمد وی در ابعاد مختلف زندگی دارد بر کسی پوشیده نیست خصوصاً اثری که این درآمد، بر رفاه خانواده و رضایت زناشویی می‌گذارد. امروزه رفاه خانواده در جوامع بسیار مهم است و اعضای آن خصوصاً زن و شوهر تلاش خود را انجام می‌دهند تا از هر جهت به آرامش و خوشبختی و رضایت برسند (ساروخانی، ۱۳۸۹).

اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی خارج از چهارچوب خانوار، که طی چند دهه گذشته تدریجاً اهمیت یافته، مسایلی را مطرح کرده است که به دلیل اهمیت، موضوع پژوهشهای متعددی قرار گرفته است و از آنجا که این امر خصوصاً در ایران با شتابزدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح گردید، و در عین حال شرایط اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران در خیلی موارد پویایی مناسب با آن را نداشته است، اشتغال زنان از سویی با مسایل حاد - در برخی از موارد - مواجه گردیده و از سویی دیگر اختلاف عقیده در میان توده‌های مختلف مردم را موجب شد (ساروخانی، ۱۳۸۹).

از جمله این عوامل رضایت یا عدم رضایت زناشویی است. اگر بخواهیم زناشویی را در خانواده ایجاد کنیم باید به دنبال عواملی باشیم که موجب ایجاد رضایتمندی می‌شود و خانواده‌ها را به سوی آن ترغیب کنیم. یکی از این عوامل اشتغال زنان است. مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با حوادث زندگی و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی بر جای گذارده است. مطالعات زیادی نشان داده که یکی از مهمترین عوامل موثر بر رضایت زناشویی مساله اقتصادی و درآمد است، چنانچه این درآمد از طرف هر دو زوج باشد باعث سهولت زندگی می‌شود؛ ولی در کنار این سهولت زندگی، در پاره‌ای موارد باعث بروز مسایل و مشکلات هم می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۹).

اشتغال زنان در چگونگی تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد که رضایت مندی و در نتیجه کاهش اختلافات زناشویی را به دنبال خواهد داشت «تحقیقی که در سال ۱۹۶۶ توسط

میشل انجام شد نوعی همبستگی را بین اشتغال زنان و توزیع عادلانه تر نقش‌ها و وظایف نشان می‌داد نحوه ی توزیع وظایف خانگی، که امور خانه داری و رسیدگی به «سگالین، ۱۳۸۸) کار بیرون از خانه زنان، با بهم زدن نقش‌های سنتی زوجین در خانواده با توجه به آن چه مطرح شد موجب مشارکت بیشتر مردان در انجام امور خانه می‌گردد، این امر خود به احساس عدالت نسبی در روابط خانوادگی منجر شده که احساس رضایت و عدم اختلافات زناشویی، از نتایج مهم آن است.

با عنایت به این موضوع که هر تغییری در زنان شاغل متاهل طبیعتاً تاثیراتی بر آنان و خانواده‌هایشان دارد، حال این سوال در اینجا مطرح می‌شود که افزایش گرایش زنان به کار در خارج از خانه چه اثراتی بر خانواده خواهد گذاشت؟ و این روند افزایشی با توجه به دگرگونی‌هایی که در ساخت شغلی جامعه و ارزش‌های سنتی جامعه و تفکیک نقش‌ها ایجاد کرده است، چه تأثیری بر شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده خواهد گذاشت؟ لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال کلی هستیم که " شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل چگونه است و چه رابطه ای با اختلافات زناشویی دارد؟

اهداف تحقیق:

- هدف اصلی این تحقیق تعیین شیوه‌های تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل و رابطه آن با اختلافات زناشویی زوجین است.

- اهداف فرعی پژوهش

- ۱- تعیین شیوه تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل.
- ۲- تعیین رابطه شیوه تصمیم‌گیری در خانواده با اختلافات زناشویی زوجین.
- ۳- تعیین رابطه تحصیلات زوجین با شیوه تصمیم‌گیری آنها در درون خانواده.
- ۴- تعیین رابطه مدت زمان ازدواج زوجین با شیوه تصمیم‌گیری آنها در درون خانواده.
- ۵- تعیین رابطه فاصله سنی زوجین بر شیوه تصمیم‌گیری آنها در درون خانواده.
- ۶- تعیین رابطه درآمد زوجین با شیوه تصمیم‌گیری آنها در درون خانواده.
- ۷- تعیین رابطه تملک دارایی زوجین با شیوه تصمیم‌گیری آنها در درون خانواده.

مبانی و چارچوب تئوریک پژوهش

تعریف قدرت در حوزه خانواده و شیوه‌های تصمیم‌گیری زوجین

یکی از حوزه‌های کاربرد مفهوم قدرت در گروه‌های کوچک، در حوزه خانواده است. بسیاری از محققین توافقی بر روی مفهوم قدرت در خانواده ندارند. لیکن صرف‌نظر از اختلافات موجود، وجه تصمیم‌گیری^۱ را به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده به کار برده اند (آبوت^۲، ۱۹۹۳ و ایسوان^۳، ۱۹۹۱). وقتی که می‌پرسیم چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر متوجه تصمیم‌گیریه‌ها در خانواده است (اولسون^۴، ۱۹۶۹). ایسوان برای مشاهده‌ی قدرت در خانواده به این ابعاد توجه می‌کند: قدرت تصمیم‌گیری در تعیین موالید، قدرت تصمیم‌گیری در امور اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی، و استقلال در خانواده. در حالی که فرانکس^۵ برای تعیین حوزه‌های قدرت در خانواده به ابعاد دیگری اشاره می‌کند. از نظر وی، قدرت زن و شوهر دارای چندین حوزه تصمیم‌گیری است، بدین معنا که در زمینه‌ی هزینه کردن پول، خرید امکانات برای خانواده و تربیت فرزندان چه کسی حرف آخر را می‌زند. (فرانکس، ۱۹۷۲).

بیشتر محققین، براساس نوع روابطی که بین زن و شوهر در خانواده وجود دارد، آرایش الگوهای تصمیم‌گیری در خانواده را در چهار وجوه تصمیم‌گیری از نوع تشریک مساعی زن و شوهر در حل مسائل^۶، حوزه‌ی مستقلانه هر یک از زن و شوهر در تصمیم‌گیری، حاکمیت زن^۸ و حاکمیت شوهر^۹ تقسیم کردند.

در نوع تشریک مساعی زن و شوهر هر یک درباره‌ی تصمیم‌های اصلی با یکدیگر گفتگو می‌کنند و به یک راه حل مشترک می‌رسند. در نوع حوزه‌های مستقلانه، هر یک مستقلاً در برخی از ابعاد نظارت دارند، خصوصاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نقش‌هایشان بر اساس

1. Decision making.

2. Abbott

3. Isavan

4. Olson

5. Franks

6. Final say

7. Syncratic

8. Wife dominant

9. Husband dominant

جنسیت عمل می‌کنند. شوهر، تصمیم‌های مربوط به شغل و امور خود و همسر، امور مربوط به خانه داری را اتخاذ می‌کنند. در نوع حاکمیت زن یا شوهر به صورت نابرابر تصمیم‌گیریهای نهایی در خانواده توسط یکی از زن یا شوهر صورت می‌گیرد (فرانکس، ۱۹۷۲ و بلاد، ۱۹۶۹). همچنین بلاد معتقد است که بهترین و مطلوب‌ترین نوع تصمیم‌گیریها، نه تنها باید برابره و صمیمانه باشد بلکه باید دو جانبه بودن را نیز در بر گیرد (فرانکس، ۱۹۷۲ و بلاد، ۱۹۶۹).

تاورمینا بر مبنای اینکه چه کسی تصمیم‌های اساسی و مهم را در خانواده می‌گیرد به سه الگو رسیده است: الگوی حاکمیت شوهر، الگوی حاکمیت زن و الگوی برابره و مشارکتی بودن تصمیم‌گیری (تاورمینا، ۱۹۷۸).

بوئرمین^۲ الگوی ساختار خانواده را در سطوح زیر دیده است:

۱- ساختار مستبدانه^۳ - پدر یا مادر بر فرزند صرفاً دیکته می‌کنند و فرزند حق اظهار نظر ندارد.

۲- ساختار اقتدار گرایانه^۴ - پدر یا مادر به حرف فرزندان گوش می‌دهند، اما خودشان تصمیم می‌گیرند.

۳- ساختار دموکراتیک^۵ - به فرزند فرصت کافی برای تصمیم‌گیری داده می‌شود، ولی تایید تصمیم با اولیا است.

۴- ساختار مبتنی بر برابری^۶ - سهم اولیا و فرزندان در تصمیم‌گیری به صورت مشارکت ۵۰ به ۵۰ است.

۵- ساختار مخیرانه^۷ - فرزند نسبت به اولیا نفوذ بیشتری در تصمیم‌گیریها دارد. به عبارتی، تصمیم فرزند مورد تمایل و توجه اولیا قرار می‌گیرد.

۶- الگوی عدم مداخله و آزادانه^۱ - فرزند با خواسته‌های اولیا در تصمیم‌گیری مخالفت نشان می‌دهد.

-
1. Blood
 2. Bowerman
 3. Autocratic
 4. Authoritarian
 5. Democratic
 6. Equalitarian
 7. Permissive

۷-الگوی اغماض^۲ - اولیا توجهی به رفتار فرزندانشان نمی کنند (بوئرمن، ۱۹۶۴).

الگوهای قدرت در خانواده

در خانواده، قدرت در دست چه کسی است؟ پاسخ گفتن به این سؤال، از نوع دیگری از دسته بندی خانواده حکایت دارد که عبارت است از: خانواده پدرسالار و خانواده مادر سالار و خانواده تساوی گرا. پیش از توضیح این سه نوع، خوب است بدانیم که در طول تاریخ، به ندرت دیده شده است که قدرت در خانواده به طور مساوی بین زن و شوهر، تقسیم شده باشد. در بیشتر جوامع و در بخش بزرگی از تاریخ بشر، مرد از قدرت زیادی برخوردار بوده است. هر چند گاهی زنان نیز از قدرت قابل توجه بی نصیب نبوده اند. این که قدرت، بیشتر در دست مرد باشد یا زن، تأثیر زیادی بر ساختار خانواده و ابعاد دیگر آن می گذارد. همان گونه که در بالا اشاره شد، خانواده از جهت ساختار قدرت درونی، بر سه گونه است:

۱- خانواده پدرسالار یا پدرشاهی^۳

واژه تخصصی پدر سالاری یا پدر شاهی، به سیستم نظامی حقوقی اطلاق می شود که در آن قوانین گوناگون از جمله قوانین توارث و جانشینی و منصب و مقام همگی قوانینی مرد مرکز است. به خانواده ای که پدر در آن از قدرت بالایی برخوردار باشد، خانواده پدرسالار تعلق می شود.

در خانواده پدرسالار هرم قدرت عمودی است و پدر در رأس خانواده قرار می گیرد. کلیه تصمیمات مهم اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیر نظر پدر خانواده انجام می شود. خانواده های پدرسالار اصولاً در جوامعی با ویژگی پدر سالاری شکل می گیرد. بدین صورت که در چنین جوامعی، اصولاً قوانین و مقررات مرد محور است. به عبارتی قوانین و مقررات برای حفظ و حمایت از حقوق مردسالارانه مثلاً در چنین جوامعی قوانین سیاسی، کار،

1. Laizzez faire

2. Ignoring

3. Patripotestal family

ازدواج، طلاق، توارث، همه برای تقویت و حفظ حقوق مردان است (بستان نجفی و بختیاری و شرف الدین، ۱۳۹۰: ۵۷).

۲- خانواده مادرسالار یا مادرشاهی^۱

واژه تخصصی مادر سالاری یا مادر شاهی به سیستم نظامی حقوقی اطلاق می‌شود که قدرت در دست زنان است و توسط زنان اداره می‌شود. خانواده ای را که در آن، مادر از اقتدار بیشتری بهره مند است، خانواده مادر سالاری نامند. در این نوع خانواده، برخلاف نوع پیشین، مادر مکانی، مادر نسبی، مادر نامی و تقدّم دختران در ارث و جانشینی، برجسته است. بدین معنا که هر چه را که در بالا از ویژگی‌های پدرسالار برشمردیم، در مورد مادر صدق خواهد کرد بنابر دلایل بسیار گوناگون نظام مادر سالاری یا مادر شاهی برخلاف تصور عامه نقطه مقابل سیستم پدر سالاری یا پدر شاهی نیست. از جمله ساده ترین و آشکار ترین دلایل آنکه «زن» نقطه مقابل «مرد» نیست. هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند (بستان نجفی و بختیاری و شرف الدین، ۱۳۹۰: ۵۷).

۳- خانواده تساوی‌گرا

در خانواده تساوی‌گرا که در جوامع صنعتی غرب بسیار رایج است قدرت به میزان کم و بیش مساوی میان دو جنس تقسیم می‌شود. البته در این که چه زمانی در تاریخ کهن بشر، پدر سالاری و یا مادر سالاری حاکم بوده است در بین اندیشمندان، اختلاف است. برخی معتقدند پس از یک دوره هرج و مرج در ساختار خانواده، نخست، مادر سالاری حاکم شده است و بعدها پدر سالاری ظهور کرده است. در جوامع امروزی ما، خانواده به سوی برابری نسبی اقتدار بین زن و شوهر پیش می‌رود. هر چند هنوز هیچ جامعه ای را نمی‌توان یافت که در آن، برابری کامل وجود داشته باشد (گیدنز^۲، ترجمه صبوری، ۱۳۸۹: ۴۳۶).

1. Matriarchy
2. Giddens

نظریه منابع^۱

نظریه منابع قدرت یکی از اولین نظریه‌های بود که ولیام گود، در مورد خشونت خانوادگی مطرح کرد، بر پایه این نظریه، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظامی اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد. (اعزازی، ۱۳۸۹: ۸۱).

بر اساس این نظریه، در خانواده بر خلاف سایر گروه‌ها، سلسله مراتب بر اساس تخصص، صلاحیت و لیاقت مرتب نمی‌گردد؛ بلکه بر اساس جنسیت، سن و قدرت اقتصادی تنظیم می‌شود که البته، بیشتر قدرت اقتصادی و منابع مالی در دست مردان بوده و از لحاظ سنی نیز بزرگتر از زنان هستند (اعزازی، ۱۳۸۹).

در نظریه منابع، تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هر یک از همسران، متأثر از منابع در دست رس هر یک از آن‌ها و انتظارات هنجاری-ارزشی از زن و شوهر است؛ بر این اساس، ردمن^۲، چهار نوع جامعه را تصور می‌کند که در آن‌ها فشارهای هنجاری-ارزشی جامعه و نیز دست رسی هر یک از دو طرف مبادله قدرت به منابع، تعیین کننده پایگاه قدرت فرد در تصمیم‌گیری قلمداد می‌شود. در این نظریه، توانایی هر یک از همسران در برآورده کردن نیازهای طرف مقابل، به عنوان منبع قدرت فرد تلقی می‌شود؛ از این رو، در جوامعی که وظیفه تأمین زن بر عهده مرد است و مرد، تنها منبع برآوردن نیازهای خانواده است، طبعاً همسر مرد به لحاظ ایدئولوژیک اجازه اعمال قدرت یک سویه را به شوهر می‌دهد. با افزایش نسبت زنان شاغل در جامعه و تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده به وسیله درآمد زنان شاغل، پایگاه قدرت زنان هم بهبود یافته است. این نظریه، بر ارزش نابرابر مبادلات زن و وهر در خانواده تأکید می‌کند با این نگاه، قدرت بیش تر در اختیار فردی است که نقش بیشتری در تأمین نیازهای خانواده دارد و جنسیت در این میان اهمیتی ندارد. در مقابل، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که بر توانایی ارزش‌های پدرسالارانه تأکید می‌ورزد. این ارزش‌ها می‌توانند پایه‌های قدرت زنان را سست و اقتدار مردان را تقویت کنند (گروسی، ۱۳۸۷).

1. Resource Theory

2. Rodman, Hyman

نظریه منابع، تقسیم کار در خانه را منعکس کننده قدرت متفاوت زوجین در خانواده معرفی می‌کند، که ناشی از ملاحظات عقلانی و اقتصادی است. لذا عامل تعیین کننده در تقسیم کار خانگی میزان برخورداری از منابع به خصوص منابع اقتصادی است. به عبارتی، فردی که درآمد بیشتری دارد کار کمتری را در خانه انجام می‌دهد. از سوی دیگر فرض شده است که اشتغال از نظر اهمیت در اولویت اول قرار دارد و کار خانگی در اولویت دوم، زیرا کار خانگی فایده کمتری از کار دستمزدی دارد. از آنجا که مردان تأمین کننده امور مالی خانواده و نان آور اصلی می‌باشند و دسترسی بیشتری به منابع دارند، از قدرت بالاتری در اتخاذ تصمیمات برخوردار خواهند بود و سهم کمتری در انجام کار خانگی به علت منزلت پایین این فعالیتها دارا می‌باشند. زنان توانایی کمتری از شوهرانشان در به دست آوردن منابع با ارزش و قابل اطمینان برای خانواده (مانند درآمد) دارند. پس مسئولیت انجام کار خانگی بیشتر بر عهده آنها خواهد بود. (آبوت و والاس، ترجمه نجم عراقی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

یکی از آثار قابل توجهی که متأثر از ره یافت مبادله در زمینه، ارتباط با قدرت نسبی و عرضه خدمات در گروه‌های کوچک بلاخص تجربی است، مطالعات بلاد و ولف در زمینه توازن قدرت بین زن و شوهر، بوده است. دیدگاه بلاد و ولف به نام نظریه منابع معروف است. این نظریه بر اساس ره یافت مبادله، توزیع قدرت در بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیریها تبیین می‌کند، بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده اند. این منابع ارزشمند به طور اخص شامل تحصیلات، شغل و قدرت مالی زن و شوهر است که آنها با توجه به میزان برخورداری از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند. البته منابع ارزشی دیگری مثل علاقه و وابستگی زوجین و جذابیت فرد برای همسر دخیل هستند که در توزیع قدرت و چگونگی تعارضات خانواده نقش مهمی دارند (ریتز، ترجمه ثلاثی ۱۳۸۷: ۴۴۲).

تئوری منابع به طور کلی بر پایه این فرض قرار دارد که هر چه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. بر اساس این نظریه، فرض می‌شود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن، و طول مدت ازدواج و مانند آن، از متغیرهایی به شمار می‌روند که بر روی توزیع قدرت در خانواده تأثیر می‌گذارند و شکل ساختار قدرت در خانواده را تبیین می‌کنند (احمدی و کمالی سروستانی، ۱۳۸۲: ۹۸).

نظریه قشربندی جنسیتی کالینز

نظریه قشربندی جنسیتی راندال کالینز^۱، بخشی از نظریه عام تضاد اجتماعی راندال کالینز پیرامون قشربندی جنسیتی است. کالینز با نقد دیدگاه کارکردگرایی پیرامون حفظ نظام تقسیم کار سنتی بین زنان و مردان که بدون توجه به ساختار قدرت نابرابر و امتیازات و ارزش گذاری‌های متفاوت این موقعیت، سعی در تقویت و بازتولید این نابرابری‌ها دارد، معتقد است که خانواده نیز چون سایر نهادها، ساختاری از قدرت و سلطه است که موجب تقویت بسیاری از نابرابری‌ها می‌شود و در نقش‌های جنسیتی خانواده میزان زیادی از تسلط جنس مرد بر زن در زمینه شغل و انجام کارها دیده می‌شود. کالینز پس از تشریح و توضیح نابرابری‌های جنسیتی درصدد تبیین این نابرابری‌ها برمی‌آید. از نظر وی دو دسته عوامل وجود دارد که به تفاوت‌هایی در الگوهای نابرابر جنسیتی منجر می‌شود: ۱- اشکالی از سازمان اجتماعی که بر میزان استفاده از زور و فشار تأثیر می‌گذارند ۲- موقعیت بازار کار زنان و مردان. زمانی استفاده شخصی از فشار محدود می‌شود که زنان در یک بازار کار از برابری‌های جنسی یا سایر منابع (مثل زمینه خانوادگی، دانش، مهارت‌های اجتماعی یا حرفه‌ای، مالکیت و سایر موارد)، برای چانه زنی بر سر منزلت، پاداش‌ها، مشارکت اجتماعی و موقعیت اجتماعی استفاده کنند. از نظر کالینز، زمانی که یک جنس وسایل زور را کنترل می‌کند این جنس توان بهره‌گیری از این قدرت را برای تسلط بر جنس مقابل دارد و از این طریق می‌تواند یک نظام جنسیتی نابرابر را ایجاد کند. از طرفی دیگر، وقتی یکی از دو جنس به طور نسبی منابع مادی را در کنترل خود دارد، این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این طریق می‌تواند این شکل از کنترل رابطه را به نظام خانواده سرایت دهد. در چنین مواقعی جنس با قدرت کم، باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی فائق شود. از دیدگاه کالینز، این گونه فعالیت‌های عام نابرابری جنسیتی، به لحاظ تاریخی مورد پذیرش مردان هستند چرا که مردان امکان بکارگیری سلطه و قدرت را در برخورد با زنان دارند و از این برتری کنترل منابع اقتصادی و تا حد زیادی، سیاسی و ایدئولوژیک به نفع خودشان بهره‌برداری می‌کنند (کالینز، ۱۹۹۳).

رویکردهای سیستمی به خانواده

در دیدگاه سیستمی^۱، خانواده به صورت یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که دارای مرزهای باز یا بسته یا قابل نفوذ است (اعزازی، ۱۳۸۰). ساخت خانواده، مجموعه‌ای از انتظارات عملکردی است که شیوه‌های مراوده یا میان‌کنش‌های اعضای خانواده را سامان می‌دهد. خانواده، نظامی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مراوده‌ای صورت می‌گیرد. این مراودات یا میان‌کنش‌ها، الگوهایی پدید می‌آورند مبنی بر اینکه چطور، چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار شود، به گونه‌ای که رفتار اعضای خانواده نظم می‌یابد. در این زمینه دو سیستم موجب استمرار این الگوها می‌شود. اولی همگانی و مستلزم قواعد جهانی است که بر سازمان خانواده حکومت می‌کند، مانند سلسله مراتب قدرت که باید وجود داشته باشد و در آن والدین و فرزندان از سطوح متفاوت اقتدار برخوردارند. همچنین باید نقش‌های مکمل وجود داشته باشد تا زن و شوهری که اتکای متقابل را پذیرفته‌اند به صورت یک تیم عمل کنند. سیستم دومی، خاص و مستلزم انتظارات متقابل اعضای هر خانواده از یکدیگر است (موسوی، ۱۳۸۹). مینوچین به ساختار خانواده که شیوه‌های ارتباطی اعضای خانواده را با یکدیگر سازمان می‌دهد، تأکید می‌کند. وی برخلاف ستیر، به تاریخچه خانواده توجهی ندارد، بلکه بر عملکرد حال و جاری خانواده متمرکز است (موسوی، ۱۳۸۹). از مفاهیم رویکرد ساختی می‌توان به قوانین خانواده^۲، نقش‌ها^۳، اثتلا ف‌ها^۴، زیرسیستم‌ها^۵، مرزها^۶، یکپارچگی‌ها^۷ و سازمان^۸ اشاره کرد. این رویکرد متمرکز بر سازمان خانواده است و بر ساختار خانواده به جای فرد تمرکز دارد. هم‌چنین تئوری ساختاری بر (۱) وحدت سیستم خانواده؛ (۲) تاثیر سلسله

1. Systems Theory
2. Family rules
3. Roles
4. Coalitions
5. Subsystems
6. Boundaries
7. Wholeness
8. Organization

مراتب سازمانی خانواده و ۳) استقلال عملکرد زیر سیستم‌ها به عنوان عوامل تعیین کننده اساسی در رفاه اعضای خانواده تاکید دارد (موسوی، ۱۳۸۹).

از دیدگاه مینوچین قدرت در خانواده هم به اقتدار (اینکه چه کسی تصمیم می‌گیرد) و هم به مسئولیت (اینکه چه کسی تصمیمی را اجرا می‌کند) اشاره در دارد. از طرف دیگر قدرت از تأثیر و نفوذ نسبی هر یک از اعضای خانواده بر نتیجه یک عمل ناشی می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه ارجمند و همکاران، ۱۳۸۹).

سالوادور مینوچین، با تحلیل ساختاری درباره خانواده معتقد است: «تداوم و استحکام یک خانواده در گرو انجام تکالیف مکمل از سوی هر یک از اعضا به ویژه زن و شوهر است. در غیر این صورت استرس‌های ناشی از عدم توجه به نقش‌ها، منشأ اختلال در خانواده می‌شود. بنابراین یکی از مبانی استنتاج‌ها توجه به این موضوع است که خانواده منظومه واحدی است، و هر یک از اعضای آن (در اینجا منظور زن و شوهر است) دارای تکالیف و نقش‌های ویژه می‌باشند. لذا کارکردها و تکالیف موجود در خانواده به مشارکت طرفین (مثل رفتار جنسی و تولید مثل) و تقسیم کار در انجام وظایف (مانند تربیت و کارکرد اقتصادی) بستگی دارد» (مینوچین، ترجمه ثنایی، ۱۳۸۹: ۸۵).

فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین تحصیلات خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین تعاملات دموکراتیک خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین عضویت گروهی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین تعاملات دموکراتیک معلم و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین اعتماد به کارگزاران مدرسه و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین اعتماد به دوستان و همسلان و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع علی مقایسه‌ای (پس رویدادی)، است که از طریق آن خانواده‌های دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل از لحاظ شیوه‌های تصمیم‌گیری زوجین در درون خانواده و اختلافات زناشویی، با هم مورد مقایسه قرار می‌گیرند تا تاثیر اشتغال زنان بر شیوه تصمیم‌گیری زوجین و اختلافات زناشویی آنان مشخص شود. جامعه آماری این تحقیق شامل همه خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل، متأهل در شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۰ انتخاب شده است. در این تحقیق جهت بررسی و مطالعه فرضیات دو گروه نمونه (هر کدام به حجم ۷۰ خانواده) از بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل این شهرستان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته (در مورد متغیرهای شیوه‌های تصمیم‌گیری زوجین، سطح تحصیلات زوجین، وضعیت تاهل و مدت زمان ازدواج، فاصله سنی زوجین، میزان درآمد زوجین، تملک دارایی زوجین و برخی از سوالات شناسایی) استفاده شده است و برای سنجش اختلافات زناشویی زوجین نیز پرسشنامه محقق ساخته که در تدوین آن از بعضی از سوالات پرسشنامه استاندارد شده تعارضات زناشویی فرم تجدید نظر شده (MCQ) باقر ثنائی استفاده شده، بکار گرفته شد. در این پژوهش پس از تهیه پرسشنامه جهت کسب اعتبار صوری به اساتید و صاحب‌نظران مراجعه و نظرات آنان در پرسشنامه اعمال گردید؛ لذا این پرسشنامه از روایی صوری خوبی برخوردار است و جهت برآورد پایایی پرسشنامه، از روش "اجرای دوباره یا بازآزمایی" استفاده شد که براساس داده‌های بدست آمده، همبستگی بین گویه‌ها بسیار بالا، بطوری که آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ بدست آمد و این نشان‌دهنده همبستگی درونی پرسشنامه از یک طرف و تکرارپذیری آن از طرف دیگر بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss و متناسب با سطح سنجش متغیرها از آمارهای توصیفی (مد، میانه، میانگین و ...) و آمارهای استنباطی (آزمون t، تحلیل رگرسیون و ...) استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی

در این تحقیق دو گروه از خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل با شرایط زیر: حداقل دارای سواد خواندن و نوشتن، حداقل سن ۲۵ سال، گذشت حداقل دو سال از زندگی مشترک، و حداقل دارای یک فرزند، مورد مطالعه قرار گرفت. میانگین سنی زنان شاغل و غیر شاغل به ترتیب ۳۳/۵۱ و ۳۲/۱ سال و بیشترین تعداد اعضای دو گروه نمونه، در گروه سنی ۳۰ - ۲۵ قرار دارند. میانگین سنی همسران زنان شاغل ۳۵/۴ و همسران زنان غیر شاغل ۳۴/۰۷ سال است که نشان دهنده تشابه سنی بین همسران دو گروه نمونه است؛ و در مقایسه با میانگین سنی زنان شاغل و غیر شاغل نشان می‌دهد که سن زنان به طور متوسط کمتر از سن همسرانشان است و سن زنان شاغل و همسران زنان شاغل به طور متوسط، به ترتیب بیشتر از سن زنان غیر شاغل و همسران زنان غیر شاغل است. میانگین مدت ازدواج زنان شاغل: ۵/۸۴، و میانگین مدت ازدواج زنان غیر شاغل: ۷/۷۱ سال و این نشان از این است که زنان غیر شاغل زودتر ازدواج می‌کنند. زنان غیر شاغل در مقایسه با زنان شاغل دارای تعداد فرزندان بیشتری هستند بطوری که میانگین تعداد فرزندان در خانواده‌های زنان شاغل: ۱/۹۷ و ولی در خانواده‌های زنان غیر شاغل: ۲/۴۱ است. میزان تحصیلات زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل بیشتر است بطوری که ۹۱/۴ درصد زنان غیر شاغل دیپلم و زیر دیپلم سواد دارند در حالی که تنها ۵۲/۹ درصد زنان شاغل دیپلم و زیر دیپلم، و بقیه بالای دیپلم هستند. همسران زنان شاغل نیز در مقایسه با خود این زنان و همسران زنان غیر شاغل دارای تحصیلات بیشتری هستند.

همسران زنان شاغل و غیر شاغل بیشتر در شغل‌های کارمندی، معلمی، نظامی و بنایی مشغول کار هستند و همسران زنان شاغل کمتر از همسران زنان غیر شاغل به شغل‌های دست‌فروشی و شغل آزاد اشتغال دارند؛ همچنین بیشتر زنان شاغل در شغل‌های خدماتی و اداری کار می‌کنند. متوسط درآمد ماهیانه همسران زنان شاغل در مقایسه با زنان شاغل و همسران زنان غیر شاغل بیشتر، ولی درآمد زنان شاغل نسبت به همسران زنان غیر شاغل کمتر است. بیشتر زنان شاغل و غیر شاغل به طور مستقل و جدا از خانواده والدین خود یا همسر زندگی می‌کنند با وجود این زنان غیر شاغل بیشتر از زنان شاغل با والدین همسر زندگی می‌کنند. همچنین بیشتر خانواده‌های زنان شاغل دارای منزل شخصی در حالی که بیشتر خانواده‌های زنان غیر شاغل

دارای منزل استیجاری هستند. مالکیت منزل در خانواده‌های زنان شاغل بیشتر بصورت اشتراکی بین زن و شوهر است، ولی در خانواده‌های زنان غیر شاغل، شوهر مالکیت بیشتری را دارا است.

یافته‌های استنباطی

جدول (۱) تفاوت بین شیوه تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل

سطح خطا Sig	درجه آزادی dF	مقدار T	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۱۳۸	۱۳/۱۲۸	۱۸/۵۴	۹/۶۵	۱۴۲/۵۱	۷۰	زنان شاغل
				۶/۸۱	۱۲۳/۹۷	۷۰	زنان غیر شاغل

فرضیه اول: بین شیوه تصمیم‌گیری در خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد.

جدول مربوطه تفاوت بین شیوه تصمیم‌گیری در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل را نشان می‌دهد. نتایج آزمون t گروه‌های مستقل (۱۳/۱۲۸) با درجه آزادی ۱۳۸ و سطح خطای فوق (۰/۰۰۰) تفاوت بین دو گروه را نشان می‌دهد. لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود. به این معنی که بین شیوه تصمیم‌گیری در خانواده زنان شاغل و غیر شاغل متأهل، از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ضمن اینکه میانگین شیوه تصمیم‌گیری هم تأییدکننده این نتیجه است، به طوری که میانگین شیوه تصمیم‌گیری در خانواده‌های زنان شاغل ۱۴۲/۵۱ و در خانواده‌های زنان غیر شاغل ۱۲۳/۹۷ می‌باشد که این تفاوت، از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول (۲) بررسی مقیاس‌های شیوه تصمیم‌گیری در خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل

سطح خطا Sig	درجه آزادی dF	مقدار T	تفاوت میانگین‌ها I	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۰۰۰	۱۳۸	/۹۴ ۱۱	۱۱/۸۸۵	۶/۷۳	۶۴/۴۸	۷۰	شاغل	حوزه قدرت در خانواده
				۴/۹	۵۲/۶	۷۰	غیر شاغل	
۰/۹۲۴	۱۳۸	۰/۰۹۶	۰/۰۷۴	۵/۶۹	۵۲/۶۴	۷۰	شاغل	ساخت قدرت در خانواده
				۲/۵۷	۵۲/۷۱	۷۰	غیر شاغل	
۰/۰۰۰	۱۳۸	/۵۳ ۱۳	۶/۷۲	۲/۹۱	۲۵/۳۸	۷۰	شاغل	شیوه اعمال قدرت
				۲/۹۷	۱۸/۶۵	۷۰	غیر شاغل	

جدول فوق در رابطه با خرده مقیاس‌های شیوه تصمیم‌گیری در خانواده است. شیوه تصمیم‌گیری شامل سه خرده مقیاس به شرح زیر است:

مقیاس قلمرو و حوزه قدرت زن و شوهر در خانواده: در این مقیاس به بررسی حوزه‌های تصمیم‌گیری زن و شوهر در امور اقتصادی، روابط اجتماعی، امور فرزندان و تعیین موالیید پرداخته است

مقیاس ساخت قدرت خانواده: در این مقیاس به بررسی الگوهای روابط قدرت حاکم بر خانواده و تشریک مساعی زن و شوهر در اتخاذ تصمیمات امور زندگی است. به عبارتی این مقیاس میزان تقارن روابط زن و شوهر را نشان می‌دهد.

مقیاس شیوه اعمال قدرت زن و شوهر: این مقیاس، استراتژی برخورد و وادار کردن به رفتار زن و شوهر را نشان می‌دهد.

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل در حوزه‌های تصمیم‌گیری زن و شوهر در امور اقتصادی، روابط اجتماعی، امور فرزندان و تعیین موالیید (خرده مقیاس اول) تفاوت معنی داری از لحاظ آماری وجود دارد بگونه‌ای که میانگین نمرات زنان شاغل در این بعد از تصمیم‌گیری، ۶۴/۴۸ است در حالی که میانگین نمرات زنان غیر شاغل ۵۲/۶ است که نتایج آزمون t گروه‌های مستقل حاکی از معنی دار بودن تفاوت

میانگین‌ها است بدین معنی که زنان شاغل سهم و نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده دارند. و این نتیجه در مورد خرده‌مقیاس سوم (شیوه اعمال قدرت زن و شوهر) نیز صادق است به این صورت که میانگین نمرات زنان شاغل ۲۵/۳۸ و میانگین نمرات زنان غیر شاغل ۱۸/۶۵ است و این نشان می‌دهد که مقیاس شیوه اعمال قدرت زن و شوهر در میان دو گروه نمونه معنی‌دار است منظور این است که استراتژی برخورد و وادار کردن به رفتار و نحوه اعمال قدرت در خانواده‌های زنان شاغل معتدل‌تر است. ضمن اینکه نتایج آزمون t گروه‌های مستقل (۰/۰۹۶) با درجات آزادی ۱۳۸ و سطح معنی‌داری ۰/۹۲۴ و همچنین میانگین نمرات دو گروه نمونه (زنان شاغل ۵۲/۶۴ و زنان غیر شاغل ۵۲/۷۱) حاکی از عدم وجود تفاوت در خرده‌مقیاس شیوه تصمیم‌گیری خانواده بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل است بگونه‌ای که بین دو گروه از لحاظ، الگوهای روابط قدرت حاکم بر خانواده و تشریک مساعی زن و شوهر در اتخاذ تصمیمات امور زندگی تفاوتی معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه شماره ۲ به نظر می‌رسد شیوه تصمیم‌گیری زوجین در خانواده با اختلافات زناشویی رابطه دارد.

جدول (۳) تفاوت میزان اختلافات زناشویی با توجه به شیوه تصمیم‌گیری

سطح خطا Sig	درجه آزادی dF	مقدار T	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۱۳۸	۵/۲۲	۲۰/۸۴	۲۰/۵۷	۱۴۰/۴۷	۷۰	شاغل
				۱۳/۳۹	۱۶۱/۳۱	۷۰	غیر شاغل

داده‌های جدول تفاوت میزان اختلافات زناشویی با توجه به شیوه تصمیم‌گیری، را در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که بین دو گروه، تفاوت وجود دارد. برای سنجش تفاوت بین دو گروه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است که داده بدست آمده (۵/۲۲) با درجه آزادی ۱۳۸ و سطح خطای فوق (۰/۰۰۰) تفاوت بین دو گروه را تایید می‌کند. لذا فرض H0 رد و فرض H1 پذیرفته

می‌شود. ضمن اینکه میانگین اختلافات زناشویی هم تأییدکننده این نتیجه می‌باشد به طوری که میانگین اختلافات زناشویی در خانواده‌های زنان شاغل ۱۴۰/۴۷ و در خانواده‌های زنان غیر شاغل ۱۶۱/۳۱ است و این نشان می‌دهد که اختلافات زناشویی در خانواده‌های غیر شاغل بیشتر است.

جدول (۴) خرده مقیاس‌های اختلافات زناشویی در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل متأهل

سطح خطا Sig	درجه آزادی dF	مقدار T	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد																																																																																								
۰/۰۰۰	۱۳۸	۴/۸۷	۳/۷۵	۴/۹۶	۱۲/۰۱۴	۷۰	شاغل	کاهش همکاری																																																																																						
				۴/۱۱	۱۵/۷۷	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۴/۱۷	۱/۹۵	۳/۰۲	۱۳/۶۸	۷۰	شاغل	کاهش رابطه جنسی	۲/۴۸	۱۵/۶۴	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۹	۳/۲۴	۵/۷۷	۲۱/۸۰	۷۰	شاغل	افزایش واکنش‌های هیجانی	۴/۵۲	۲۵/۰۴	۷۰	غیر شاغل	۰/۵۱	۱۳۸	۰/۶۴	۰/۳۱	۲/۸۹	۱۳/۰۵	۷۰	شاغل	افزایش جلب حمایت فرزند	۲/۸۴	۱۳/۳۷	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۴	۱۳۸	۲/۰۲	۱/۴۲	۴/۵۷	۱۴/۷۰	۷۰	شاغل	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۳/۷۵	۱۶/۱۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰
۰/۰۰۰	۱۳۸	۴/۱۷	۱/۹۵	۳/۰۲	۱۳/۶۸	۷۰	شاغل	کاهش رابطه جنسی																																																																																						
				۲/۴۸	۱۵/۶۴	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۹	۳/۲۴	۵/۷۷	۲۱/۸۰	۷۰	شاغل	افزایش واکنش‌های هیجانی	۴/۵۲	۲۵/۰۴	۷۰	غیر شاغل	۰/۵۱	۱۳۸	۰/۶۴	۰/۳۱	۲/۸۹	۱۳/۰۵	۷۰	شاغل	افزایش جلب حمایت فرزند	۲/۸۴	۱۳/۳۷	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۴	۱۳۸	۲/۰۲	۱/۴۲	۴/۵۷	۱۴/۷۰	۷۰	شاغل	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۳/۷۵	۱۶/۱۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل							
۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۹	۳/۲۴	۵/۷۷	۲۱/۸۰	۷۰	شاغل	افزایش واکنش‌های هیجانی																																																																																						
				۴/۵۲	۲۵/۰۴	۷۰			غیر شاغل	۰/۵۱	۱۳۸	۰/۶۴	۰/۳۱	۲/۸۹	۱۳/۰۵	۷۰	شاغل	افزایش جلب حمایت فرزند	۲/۸۴	۱۳/۳۷	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۴	۱۳۸	۲/۰۲	۱/۴۲	۴/۵۷	۱۴/۷۰	۷۰	شاغل	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۳/۷۵	۱۶/۱۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل																				
۰/۵۱	۱۳۸	۰/۶۴	۰/۳۱	۲/۸۹	۱۳/۰۵	۷۰	شاغل	افزایش جلب حمایت فرزند																																																																																						
				۲/۸۴	۱۳/۳۷	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۴	۱۳۸	۲/۰۲	۱/۴۲	۴/۵۷	۱۴/۷۰	۷۰	شاغل	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۳/۷۵	۱۶/۱۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل																																	
۰/۰۴	۱۳۸	۲/۰۲	۱/۴۲	۴/۵۷	۱۴/۷۰	۷۰	شاغل	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود																																																																																						
				۳/۷۵	۱۶/۱۲	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل																																														
۰/۰۶	۱۳۸	۱/۸۸	۱/۳۷	۴/۲۵	۱۴/۹۵	۷۰	شاغل	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان																																																																																						
				۴/۳۴	۱۶/۳۲	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰	غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل																																																											
۰/۰۰۰	۱۳۸	۶/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۰	۱۷/۸۸	۷۰	شاغل	جدا کردن امور مالی از یکدیگر																																																																																						
				۲/۹۵	۲۱/۷۲	۷۰			غیر شاغل	۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر	۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰	غیر شاغل																																																																								
۰/۰۰۰	۱۳۸	۳/۶۴	۴/۹۲	۸/۵۵	۳۲/۳۷	۷۰	شاغل	کاهش ارتباط مؤثر																																																																																						
				۷/۴۱	۳۷/۳	۷۰			غیر شاغل																																																																																					

اختلافات زناشویی شامل هشت خرده مقیاس کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر است. که جدول فوق وضعیت و مقایسه‌ای از هر یک از این خرده مقیاس‌ها، در بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از تفاوت معنی داری بین دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل در خرده مقیاس‌های کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر و عدم تفاوت معنادار، دو خرده مقیاس افزایش جلب حمایت فرزند و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان در بین دو گروه نمونه است. همچنان که ملاحظه می‌شود نتایج آزمون t دو گروه مستقل (۴/۸۷) با درجات آزادی ۱۳۸ و سطح خطا (۰/۰۰۰) در خرده مقیاس کاهش همکاری، نشان از تفاوت معنی دار بین دو گروه نمونه لحاظ آماری است؛ بدین معنی که همکاری زوجین در خانواده‌های زنان شاغل بیشتر است تا در خانواده‌های زنان غیر شاغل. میانگین نمرات دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل نیز که به ترتیب ۱۲/۰۱۴ و ۱۵/۱۷ در این خرده مقیاس است مؤید این نتیجه است. این نتیجه در مورد خرده مقیاس‌های کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر نیز در بین دو گروه نمونه صادق است به اینصورت که همچنان که نتایج آزمون t دو گروه مستقل و میانگین نمرات بین دو گروه نمونه، در این خرده مقیاس‌ها در نشان می‌دهد در خانواده‌های زنان غیر شاغل، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر بیشتر است تا در خانواده‌های زنان شاغل. اما نتایج آزمون t دو گروه مستقل، در دو خرده مقیاس افزایش جلب حمایت فرزند و کاهش ارتباط فردی که به ترتیب ۰/۵۱ و ۰/۰۶ است نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه از لحاظ آماری معنادار نیست و در این دو مقیاس تفاوتی بین آنها وجود ندارد. نتایج این جدول بطور کلی نشان می‌دهد که با توجه به این خرده مقیاس‌ها، اختلافات زناشویی زوجین در خانواده‌های زنان غیر شاغل بیشتر است.

فرضیه شماره ۳: متغیرهای جمعیتی (مدت زمان ازدواج، فاصله سنی) و تملک منابع ارزشمند (تحصیلات زوجین، درآمد زوجین، مالکیت شخصی) با شیوه تصمیم گیری زوجین در خانواده رابطه دارند. (تبیین شیوه تصمیم گیری در خانواده بر اساس متغیرهای مستقل)

جدول (۵) جدول رگرسیون

شاخص‌های آماری	ضریب همستگی چندگانه	ضریب تعیین	اشتباه معیار برآورد مدل
مقادیر	۰/۶۵	۰/۴۲	۹/۰۷

جدول (۶) ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر شیوه تصمیم‌گیری در خانواده

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T مقدار	سطح خطا Sig
	B	Std. Error			
تحصیلات زن	۲/۰۸	۱/۱۷	۰/۵۱	۱/۷۷	۰/۰۴۱
تحصیلات شوهر	۰/۲۲	۱/۰۹	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۸۳۹
مدت زمان ازدواج	۰/۱۵	۰/۴۱	۰/۰۴	۰/۳۸	۰/۷۰۱
درآمد زن	۵/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۲/۶۹	۰/۰۰۹
درآمد شوهر	۵/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵	۱/۲۶	۰/۲۰۹
فاصله سنی	۰/۳۷	۰/۶۶	۰/۰۶	۰/۵۷	۰/۵۶۸
تملك دارایی	۰/۲۶۷	۰/۰۹۲	۰/۱۶۹	۲/۶۹۶	۰/۰۰۰

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغییری به روش (Enter) و مطابق با داده‌های جدول در تعیین شیوه تصمیم‌گیری زوجین در خانواده، از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R=0/65$ و ضریب تعیین $0/42$ بدست آمده است یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی دار موجود در مدل می‌توان تا حدود ۴۲ درصد واریانس شیوه تصمیم‌گیری در خانواده را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده، متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود تحصیلات زن با بتای $B=0/51$ ، درآمد زن با $B=0/42$ ، مالکیت شخصی با $B=0/169$ به ترتیب بیشترین و مدت زمان ازدواج با $B=0/04$ ،

تحصیلات شوهر با $B=0/05$ ، فاصله سنی با $B=0/06$ ، درآمد شوهر با $B=0/15$ به ترتیب کمترین سهم را تبیین شیوه تصمیم‌گیری زوجین در خانواده دارند. به این ترتیب فرض H_0 در مورد سه فرضیه فرعی تحقیق (درآمد زنان با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد، تحصیلات زن با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد، مالکیت شخصی با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد) رد و فرض H_1 تایید، و در مورد دیگر فرضیه‌های فرعی این پژوهش (درآمد شوهر با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد، تحصیلات شوهر با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد، فاصله سنی زوجین با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد، مدت زمان ازدواج زوجین با شیوه تصمیم‌گیری در خانواده رابطه دارد) تایید و فرض H_1 رد می‌شود و این بدان معنا است که هر چه میزان تحصیلات زن، درآمد زن، و مالکیت شخصی زن بیشتر باشد زنان نقش بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانواده دارند و ساختار قدرت در خانواده بیشتر به سوی مشارکتی سوق داده می‌شود در حالی که درآمد شوهر، تحصیلات شوهر، فاصله سنی زوجین، مدت زمان ازدواج زوجین، از لحاظ آماری تأثیر بر شیوه تصمیم‌گیری در خانواده ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

گرچه فعالیت‌های انجام شده در سالهای اخیر تا حدودی فرصت‌هایی را برای زنان در حوزه اشتغال فراهم آورده است، لیکن هنوز موانع بسیاری در دستیابی آنان به موقعیت‌های شغلی وجود دارد. در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد از شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی توسعه پایدار کشورها استفاده می‌شود، یکی از این شاخص‌ها میزان حضور زنان به نسبت مردان در موقعیت‌های اجتماعی است. بطور کلی منزوی کردن زنان در خانه جهت خدمت‌گزاری به شوهر، فرزند و یا جمع خانواده، می‌تواند آسیب‌های دیگری را با خود پیرواند؛ و انگار نوعی «ساخت اجتماعی مؤنث ابدی» (فریدمن، ۱۳۸۶: ۲۶)؛ را به طرز شگفت‌انگیزی، مقاوم تر و پایاتر می‌کند. البته برخی نیز مدعی شده‌اند که تفاوت‌های زیست‌شناختی، زنان را از مشارکت در حوزه عمومی، ناتوان می‌کند؛ و داوری شان چنان است که زنان، کمتر از مردان منطقی‌اند، بیشتر تحت تأثیر عواطف قرار دارند و در نتیجه به عنوان نمونه، قادر به

تصمیم‌گیری نیستند از این رو به نظر می‌رسد که زنان خانه‌دار همیشه در زنجیره‌ای از وابستگی‌های اقتصادی و منزلتی به مردان قرار دارند. البته تحولات شگرف اقتصادی، اجتماعی پس از وقوع انقلاب صنعتی و خروج زنان دز کنار مردان از خانه به کارخانه خود موجد ارزش‌ها و هنجارهای نوینی شد که زمینه را برای از بین بردن قالب‌های سنتی محدود و محصورکننده زنان در خانه‌ها را فراهم نمود و سبب شد که زنان بیشتر از گذشته در امور داخل و خارج خانواده نظر داده و تصمیم‌گیری کنند (شمس خرم‌آبادی، ۱۳۸۳). یکی از حوزه‌های کاربرد مفهوم قدرت، در حوزه‌ی خانواده است. بسیاری از محققین توافقی بر روی مفهوم قدرت در خانواده ندارند. لیکن صرفنظر از اختلافات موجود، وجه تصمیم‌گیری را به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده به کار برده‌اند (آبوت، ۱۹۹۳ و ایسوان، ۱۹۹۱). وقتی که می‌پرسیم چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر متوجه تصمیم‌گیرها در خانواده است (اولسون، ۱۹۶۹). ایسوان برای مشاهده قدرت در خانواده به این ابعاد توجه می‌کند: قدرت تصمیم‌گیری در تعیین موالید، قدرت تصمیم‌گیری در امور اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی، و استقلال در خانواده. در حالی که فرانکس^۵ برای تعیین حوزه‌های قدرت در خانواده به ابعاد دیگری اشاره می‌کند. از نظر وی، قدرت زن و شوهر دارای چندین حوزه تصمیم‌گیری است، بدین معنا که در زمینه‌ی هزینه‌کردن پول، خرید امکانات برای خانواده و تربیت فرزندان چه کسی حرف آخر را می‌زند (فرانکس، ۱۹۷۲). توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند. این منابع ارزشمند به طور اخص شامل تحصیلات، شغل و قدرت مالی زن و شوهر است که آنها با توجه به میزان برخوردارگی از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند که در توزیع قدرت و چگونگی اختلافات خانواده نقش مهمی دارند (ریتز، ترجمه ثلاثی ۱۳۸۷: ۴۴۲). نتایج حاصل از این پژوهش نیز مؤید این مسئله است.

لذا براساس نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های دین اسلام درباره مشارکت زن و مرد که نکات بسیاری دارد که باید از آنها برای تقویت و استحکام هر چه دموکراتیک‌تر شدن خانواده‌ها استفاده شود. به نظر می‌رسد در همین زمینه، انجام پژوهش‌هایی در مناطق مختلف کشور و به ویژه با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و باورهای متفاوت اقوام

مختلف، می‌تواند امکان مقایسه در سطحی وسیع‌تر را فراهم آورد. برای اینکه خانواده‌ها دموکراتیک‌تر شوند تغییر در شناخت مردان از اهمیت نقش همسر در تصمیم‌گیری‌های خانواده ضروری است. دموکراتیک شدن خانواده یک فرایند است و به زمان تشکیل خانواده بر نمی‌گردد. در این میان، خانواده اصلی، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی نقش اساسی در دموکراتیک یا استبدادی شدن خانواده‌های فعلی دارند. بنابراین برای تغییر تصورات زنان از نقش خود و تصور مردان از نقش زنان، باید این نهادها گام اساسی را بردارند.

منابع

- ۱- احمدی نیا، شیرین. (۱۳۸۵). مسایل اجتماعی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول، نشر نقش جهان.
- ۲- احمدی، حبیب، و کمالی سروستانی، آمنه. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۳- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی زندگی زناشویی. سایت پرتال علوم انسانی و اسلامی.
- ۴- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۵- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی و زنان کتک خورده. تهران: نشر سالمی.
- ۶- امامی نصیر محلهای، علی. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۷- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جوامع پیش‌رفته. (ترجمه مریم وتر، ۱۳۸۲). تهران: انتشارات کویر.
- ۸- آبوت، پاملا، و والاس کلر. (۱۹۹۳). جامعه‌شناسی زنان. (ترجمه منیژه نجم عراقی، ۱۳۸۸). تهران: نشر نی. چاپ ششم.
- ۹- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: نشر سمت.

- ۱۰- باقری، شهلا. (۱۳۸۸). مدیریت خانواده(الگوها و مقتضیات). فصلنامه بانوان شیعه. شماره ۲۰. ص ۱۳۳
- ۱۱- باقریان نژاد، زهرا، (۱۳۸۲). بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران،
- ۱۲- براتی، طاهره. (۱۳۷۵). تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره (چاپ نشده). دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- ۱۳- بستان نجفی، حسین، و بختیاری، محمدعزیز، و شرف الدین، سیدحسین. (۱۳۹۰). اسلام و جامعه شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ص ۵۷.
- ۱۴- بستان، حسین. (۱۳۸۵). بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، صص ۱۷۰-۲۰۵
- ۱۵- بنی جمالی، شکوه السادات، و نفیسی، غلامرضا، و یزدی، سیده منور. (۱۳۸۳). ریشه یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگیهای روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره‌های ۱ و ۲، ص ص ۱۷۰-۱۴۳.
- ۱۶- پورغفاری، سیده سوگل. (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی آموزش مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روانشناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن دزفول. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه واحد علوم و تحقیقات خوزستان،
- ۱۷- تقوی، نعمت الله. (۱۳۸۸). مبانی جمعیت شناسی. تبریز: نشر دانیال.
- ۱۸- توسلی، افسانه، و رفیعی خونانی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در خارج از منزل. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۴۳
- ۱۹- توکلی خمینی، نیره. (۱۳۸۵). جامعه شناسی صنعتی. تهران: انتشارات پیام نور
- ۲۰- جلالی، عذرا. (۱۳۷۱). تاریخچه اشتغال زن در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی.
- ۲۱- حجتی کرمانی، سوده. (۱۳۸۲)، ۲۸ اسفند). تجمع نقشها بر زنان. روزنامه شرق شماره ۱۴.
- ۲۲- حسینی، فاطمه، و ثنایی، باقر. (۱۳۸۴). مقایسه تعارضات زناشویی والدین با تعارضات زناشویی فرزندان همسر دار آنها. اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س)، دوره ۱، شماره ۴، زمستان، ص ۹۶-۷۹

- ۲۳- حسینی بیرجندی سید مهدی. (۱۳۸۴). خانواده درمانی و مشاوره ازدواج و زناشویی. تهران: انتشارات اساطیر.
- ۲۴- خبرگزاری زنان ایران (ایوانا)؛ سرویس زن و رسانه‌ها. آثار و پیامدهای تعارض زناشویی. ۱۳۸۴/۲/ ۲۸.
- ۲۵- خدارحیمی، سیامک و همکاران. (۱۳۸۲). روانشناسی زنان. تهران: انتشارات مردمک.
- ۲۶- خلیلی، مرجان. (۱۳۷۸). بررسی تضاد در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی،
- ۲۷- ذوالفقارپور، محبوبه. (۱۳۸۳). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زناشویی بین زنان کارمند و خانه دار شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه الزهراء،
- ۲۸- رحمانی، اعظم، و صادقی، نرجس، و مرقاتی خویی، عفت السادات، و الله قلی، لیلا. (۱۳۸۹). ارتباط رضایت جنسی با عوامل فردی در زوجین. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۲۳، شماره ۶۶، صص ۹۲-۷۰.
- ۲۹- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۳). بررسی تعارض نقشهای شغلی-خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. دانشور، ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم دوره جدید، شماره ۴، صص ۴۸-۳۵.
- ۳۰- رضایی، بهناز. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر در استحکام زندگی زناشویی. سایت تبیان.
- ۳۱- روحانی، عباس، و ابوطالبی، حمیرا. (۱۳۸۸). رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان. فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی- سازمانی، ۱ (۱). صص ۴۶.
- ۳۲- ریتزر، جرج. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (مترجم محسن ثلاثی، ۱۳۸۷). تهران: انتشارات علمی.
- ۳۳- زاهدانی، زاهد، و محبوب، ایران. (۱۳۷۱). بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۳۴- زیبایی نژاد، محمد رضا. (۱۳۸۸). اشتغال زنان؛ عوامل، پیامدها و رویکردها. اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها). تهران: نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، چاپ اول.

- ۳۵- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴). زن قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده. فصلنامه پژوهش زنان، ۳(۲)، صص ۵۰-۲۹.
- ۳۶- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- ۳۷- ستیر، ویرجینیا. آدم سازی در روانشناسی خانواده. (ترجمه بهروز بیرشک، ۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- ۳۸- سروش، سمیه (۱۳۷۷)، بررسی جامعه شناسی تغییر قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- ۳۹- سعیدیان، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۴۰- سفیری، خدیجه، و آراسته، راضیه، و موسوی، مرضیه. (۱۳۸۹). تبیین رابطه سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، ص ۹۸
- ۴۱- سگالن، مارتین. جامعه شناسی تاریخی خانواده. (ترجمه حمید الیاسی، ۱۳۸۸). تهران: نشر مرکز.
- ۴۲- شاکریان، عطا. بررسی عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۴۹-۴۰.
- ۴۳- شریفیان، هدایت. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۴۴- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۱). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی (مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم،
- ۴۵- شفیعی نیا، اعظم. (۱۳۸۱)، بررسی آموزش مهارتهای حل تعارضات زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران، دانشگاه الزهراء.
- ۴۶- شکوری، علی، و آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). مدرنیته و خانواده تهرانی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲(۳۰) صص ۲۴۵-۲۸۶.

- ۴۷- شمس خرم آبادی، م (۱۳۸۳). بررسی انگیزه‌های خود سوزی در میان مراجعان بیمارستان شهدای عشایر شهر خرم آباد. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ك تهران: نشر آگاه.
- ۴۸- شولتز، دوان، وشولتز، سیدنی ال. نظریه‌های شخصیت. (ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۳۸۹). تهران: موسسه نشر ویرایش، چاپ نهم.
- ۴۹- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار،
- ۵۰- عنایت، حلیمه، و دسترنج، منصوره. (۱۳۸۹). مطالعه ساختار قدرت در خانواده. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۸، شماره ۱. صص ۱۴۱-۱۱۸
- ۵۱- عنایت، حلیمه (۱۳۶۷). بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی در شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز،
- ۵۲- فرمینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۹، ۳مهر). عوامل مؤثر بر ناسازگاری زناشویی. روزنامه سلامت شماره ۲۸۸،
- ۵۳- فریدمن، جین. فمینیسم. (ترجمه فیروزه مهاجر، ۱۳۸۶). تهران: آشیان.
- ۵۴- قندهاری، پردیس، و حسن زاده، علیرضا. (۱۳۸۲). زن و قدرت. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ۵۵- کارلسون، جان؛ اسپری، لن؛ لویس، جودیت. خانواده درمانی (تضمین درمان کارآمد). (ترجمه شکوه نوایی نژاد. ۱۳۸۸). تهران: انتشارات سازمان اولیا و مربیان، چاپ اول.
- ۵۶- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). (ترجمه احد علیقلیان، و افشین خاکباز. تهران: نشر طرح نو، جلد ۲.
- ۵۷- کوهن، بروس. درآمدی بر جامعه‌شناسی. (ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۹). تهران: نشر توتیا، ص ۱۲۷.
- ۵۸- کار، آلن. (۲۰۰۰). خانواده درمانی (مفاهیم، فرآیندها و تمریناتی برای زوج درمانی). (ترجمه غلامرضا تبریزی، ۱۳۸۹) مشهد: مرنديز.
- ۵۹- کوزر، لوئیس و روزنبرگ موریس نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران. نشر نی،
- ۶۰- گروسی، سعیده. (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده. فصلنامه مطالعات زنان، شماره ۲، ص ۱۰۶

- ۶۱- گروسی، سعیده. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی. ، پایان نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- ۶۲- گلدنبرگ، ایرنه، و گلدنبرگ، هربرت. خانواده درمانی. (ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، ، سیامک نقشبندی، و الهام ارجمند، ۱۳۸۹). تهران: نشر روان.
- ۶۳- گیدنز، آنتونی. جامعه شناسی. (ترجمه منوچهر صبوری، ۱۳۸۹). تهران: نشر نی، چاپ ۲۵.
- ۶۴- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۸). جامعه شناسی عمومی. تهران، طهوری، چاپ ۲۲.
- ۶۵- مختاری، محمد حسین. (۱۳۸۸). زن و رؤیای آزادی در غرب. فصلنامه تخصصی مطالعات زنان و خانواده، (طهورا). ۲(۴). صص ۱۱۵
- ۶۶- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). نظام حقوق زن در اسلام، تهران، نشر صدرا، صص ۲۱-۲۲.
- ۶۷- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۸۹). جوانان و انتخاب همسر. تهران: نشر پارسیان.
- ۶۸- معید فر، سعید (۱۳۸۴). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی نسلی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۴.
- ۶۹- منصور نژاد، محمد. مسأله زن اسلام و فمینیسم. تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۱
- ۷۰- منصوریان، محمد کریم، فخرائی، سیروس. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده‌ها. مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان، سال دوم شماره ۱. صص ۸۲
- ۷۱- موحدی، بهناز. (۱۳۸۰). زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- ۷۲- موسوی، اشرف السادات. (۱۳۸۹). خانواده درمانی: نکات کاربردی. تهران: نشر کاویان.
- ۷۳- مولوی، حسین. (۱۳۸۱). شناسایی عوامل خطر و پیش بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج. ، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۳۵-۵۰
- ۷۴- مهدوی، محمدصادق، و خسروشاهی، حبیب صبوری. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. فصلنامه مطالعات زنان ۱(۲): صص ۲۷-۶۷.
- ۷۵- مهدوی، محمد صادق. عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر. نشر مبتکران، ۱۳۷۵
- ۷۶- میرخشتی، فرشته. (۱۳۷۵). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی مشاوره: دانشگاه آزاد اسلامی: واحد رودهن.
- ۷۷- میرزایی، حدیث السادات. (۱۳۸۹، ۱۰ خرداد). نارضایتی در زندگی مشترک، روزنامه جام جم. شماره ۳۷۷،

- ۷۸- میشل، آندره. پیکار با تبعیض جنسی. مترجم محمدجعفر پوینده، ۱۳۸۲. تهران: نشر چشم.
- ۷۹- میشل، آندره. جامعه‌شناسی خانواده. (ترجمه فرنگیس اردلان ۱۳۸۳). تهران.
- ۸۰- مینوچین، سالوادور. خانواده و خانواده درمانی. (ترجمه باقر ثنائی، ۱۳۸۹). تهران: امیرکبیر.
- ۸۱- ولبیانی، کاظم. (۱۳۸۵). بررسی توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تهران با رویکردی به اشتغال زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- 82- Abboult, P. ;Wallace, C. ,(1993). *Sociology (Feminist Perspective)*. Routledge, London.
- 83- Blood, Robert, (1969). *Marriage*. The Free Press, New York.
- 84- Bluman & Lipman, J. ,(1984). *Gender Roles & Power*. Prentice-Hall, New York.
- 85- Blumberg, Rae Lesser, and Marion Tolbert Coleman. (1989). "A Theoretical Look at the Gender Balance of Power in the American Couple." *Journal of Family Issues* 10(2):225-250.
- 86- Booth, Alan, and John N. Edwards. (1985). "Age at Marriage and Marital Instability." *Journal of Marriage and the Family* 47(1):67-75.
- 87- Bowerman, Charles E. , (1964). "Variations in adolescent Perception of Family Power Structure", *American Sociological Review*, Vol. 29, pp. 551-567
- 88- Bulanda, Ronald E. (2000). "Paternal Involvement with Children: The Impact of Gender Ideology." Paper presented at the 62nd Annual Conference of the National Council on Family Relations (NCFR), 8-14 November, Minneapolis, Minnesota, USA
- 89- Chang,S. L. (2008). Family background and marital satisfaction of newlyweds. Generational transmission of relationship interaction patterns. Unpublished Master's Thesis, California State University.
- 90- Cohen, Orna, and Rivka Savaya. (2003). " Reasons for Divorce among Muslim Arabs in Israel". *European Societies* 5(3): 300-325
- 91- Collins, Randall. (1993). *Conflict Sociology; Toward an Explanatory Science*, New York Academic. ferros,N:27(4),pp:33-46. 1971
- 92- Fokkema, Tineke, and Aart C. Liefbroer. (2004). "Employment and Divorce among Dutch
- 93- Franks,David D. , (1972). "Role-taking & Power in Social Psychology". *American*
- 94- Gazso-Windle, Amber, and Julie Ann McMullin. (2003). "Doing Domestic Labour: Strategizing in a Gendered Domain." *Canadian Journal of Sociology* 28(3):341-366.
- 95- JEJeebhoy,S. J. (1995). *Women s Education,Autonomy and Reproductive Behavior:Experience from Developing Countries* , New York. Oxford University press.
- 96- Kaufman , C. (1988). Relationship between marital power and symptom of stress among husband and wives: *Journal of Wisconsin Sociologist*. 25 (1),

- 97- Lavee, Yoav, and Ruth Katz. (2002). "Division of Labor, Perceived Fairness, and Marital
- 98- Mason, K. O. (1993). *The Impact of Women s Position on Demographic Change during the Course of Development*, Oxford University Press , Oxford , England.
- 99- Michel,A(1971). *Role Masculins–feminine in family information surless science,Social*
- 100- Oakley,Ann(1976),*Woman s Work:The Housewife, Past and Present*, New York:Vintage Books.
- 101- Olson, David H. , (1969). "The Measurement of Family Power by Self-Report & Behavioral Methods", *Journal of Marriage & the Family*, Vol. 31, pp. 545-550.
- 102- Quality: The Effect of Gender Ideology. ” *Journal of Marriage and the Family* 64(1):27–39.
- 103- Rice, F. & Phillip, G. (1996). *Intimate Relationships, Marriages and Family*. California: Cole.
- 104- Sabin, John,(1995). *Social Psychology*. Norton, New York.
- 105- Schaefer, F. T. & Lamn, R. P. ,(1992). *Sociology*. Mcgraw-Hill, New York.
- 106- Shepard , Jon M. (1999), *Sociology*, New York and Boston: Wadsworth.
- 107- *Sociological Review*, Vol. 37, pp. 605-614.
- 108- Sullivan,KieranT. (2001). "Understanding the Relationship between Religiosity and Marriage: An Investigation of the Immediate and Longitudinal Effects of Religiosity on Newlywed Couples. ” *Journal of Family Psychology* 15(4):610–626.
- 109- Tavermina. J. (1978). *Power Reltionships in Families: A Social exchange Perspective*. *Journal Of Process*. Vol. 7.
- 110- Women born between (1903 and 1937). ” *The History of the Family* 9(4):425–442.
- 111- Xu, Xiaohe, and Shu-Chuan Lai. (2002). "Resources, Gender Ideologies, and Marital Power:The Case of Taiwan. ” *Journal of Family Issues* 23(2):209-245.
- 112- Zuo, Jiping, and Yanjie Bian. (2005). "Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China. ” *Journal of Comparative Family Studies* 36(4):601–622.